

بررسی رابطه خلاقیت با باورهای وسواسی و نشخوارفکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت

سیده مرسده عظیمی خطیبانی^۱

مسعود عموپور^{۲*}

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی خلاقیت با باورهای وسواسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت انجام شد. روش: جامعه‌ی این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره‌ی دوم مقطع متوسطه ناحیه دو شهر رشت است که با توجه به آمار دریافتی از آموزش و پرورش شامل ۵۱۸۱ دانش آموز می‌باشد که با استفاده از جدول مورگان نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰ نفر از دانش آموزان به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه خلاقیت عابدی، پرسشنامه باورهای وسواسی (OBQ-44) و مقیاس نشخوارفکری نولن هوکسما و مارو استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی کانونی و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خلاقیت با باورهای وسواسی دانش آموزان و همین‌طور بین خلاقیت با نشخوارفکری دانش آموزان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. و خلاقیت می‌تواند باورهای وسواسی و نشخوار فکری را پیش‌بینی کند. با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد که هر چه خلاقیت دانش آموزان در سطح بالاتری قرار داشته باشد باورهای وسواسی و نشخوارفکری در آنها کاهش می‌یابد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، سازه‌ی خلاقیت توانست ۵۴ درصد از تغییرات باورهای وسواسی و نشخوار فکری را تبیین کند.

واژگان کلیدی: خلاقیت، باورهای وسواسی، نشخوارفکری، دانش آموزان

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران. نویسنده مسئول: Amoopour@iaurasht.Ac.ir

اگر به پیرامون خویش بنگریم شاهد چیزهای بسیاری هستیم که عامل به وجود آمدن آنها، موهبت و توانایی تفکر خلاق^۱ انسان‌ها است و همواره انسان از طریق قوای خلاق خود توانسته به ناشناخته‌ها دست یابد. خلاقیت^۲ به عنوان نوعی نیاز بشری در تمام ابعاد زندگی انسان مطرح است. زندگی پیچیده امروزی، هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال برای اساسی‌ترین تا ساده‌ترین مشکلات انسان، نیازمند تفکر خلاق هستیم (روی‌دال^۳، ۲۰۰۵، نقل از دستغیب، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

جامعه‌ای که می‌خواهد بر پای خود بایستد، بایستی از استعدادهای خلاق افراد خود بیشترین بهره را بگیرد. جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد و امروز شعار «نابودی در انتظار شماست مگر این که خلاق و نوآور باشید» در پیش روی مدیران همه سازمان‌ها قرار دارد اما مسئولیت سازمان‌های آموزشی به خصوص آموزش و پرورش که وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان و آینده‌سازان جامعه را بر عهده دارد، صبغه‌ای دیگر به خود می‌گیرد. در نتیجه توجه به خلاقیت، دقیقاً به معنی توجه به سرنوشت زندگی اجتماعی بشر و آینده جوامع است (حیدری، ۱۳۹۱، ص ۴). از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای افراد خلاق ذکر شده، می‌توان به تحمل ابهام، روانی، اندیشه، انعطاف‌پذیری، ابتکار و توانایی برای ایجاد تعاریف جدید از مشکلات و حساس بودن نسبت به مشکلات اشاره کرد (حضور، ۱۳۹۴). لذا اگر قبول کنیم که بزرگترین سرمایه یک کشور نیروهای متفکر و خلاق آن کشور است، بسیار عاقلانه به نظر می‌رسد که این مهم‌شناسایی و پروراندن شود (آقا شیر، ۱۳۹۱، ص ۱۹). توجه به خلاقیت به عنوان عاملی که می‌تواند افراد را از مشکلات رهایی بخشد بسیار گسترش یافته است (لیونینگستون^۴، ۲۰۱۰، به نقل از قوامی، ۱۳۹۱، ص ۹).

اختلال وسواسی فکری-عملی^۵ جزء اختلالات اضطرابی به شماره می‌رود این اختلال به صورت تصورات ذهنی و افکار مزاحم رفتارهای وسواسی و تشریفات خاص بروز می‌کند موجب برانگیختگی و نگرانی می‌شود نوجوان وسواسی خود را از درون برای انجام کارها رسیدن به اهداف و پیشرفت تحت فشار می‌بیند او تصور می‌کند که استرس‌ها و تنش‌های فکری او از خارج بر وی تحمل می‌شود در حالی که نوع تفکر او عامل اصلی این فشارهاست (سلحشور، ۱۳۹۴).

1. Creative thought
2. Creativity
3. Rvydal
4. Livingston
5. Obsessive Compulsive Disorder

در زمینه چگونگی شکل گیری باورهای وسواسی، نظریه های مختلفی وجود دارد که از جدیدترین آنها نظریه های نشخوار فکری است. نشخوار فکری به عنوان اشتغال دائمی به یک اندیشه یا موضوع تفکر درباره آن شناخته می شود. نشخوار فکری طبقه ای از افکار آگاهانه حول یک محور مشخص و معمولی می گردد و بدون اینکه تقاضاهای محیطی فوری وابسته به آنها باشد، این افکار تکرار می شوند. نشخوارفکری مجموعه ای افکاری منفعلانه هستند که جنبه تکراری دارند، بر علل و نتایج علائم متمرکزند و مانع حل مسئله ناسازگارانه شده و به افزایش افکار منفی می انجامد. این نوع تفکر در برخی از اختلالات هیجانی^۱ نظیر افسردگی، وسواس فکری - عملی، اضطراب فراگیر و اختلال استرس پس از سانحه مشاهده می شود.

والن^۲ و همکاران (۲۰۰۷) هم تصریح می کنند که نشخوار فکری وسواس و اجباری از مؤلفه های اصلی اختلال وسواسی - اجباری هستند. نشخوار فکری در بیماری وسواس شامل افکاری هستند که به طور پایان ناپذیر مرور می شوند و به نا امیدي درباره آینده و ارزیابی منفی درباره خود منجر می شوند. وجود یک جامعه سالم از نظر بهداشت روانی، منوط به سلامت اجزای کوچکتر آن جامعه از جمله نوع اجتماعات، خانواده ها و گروههای موجود در آن جامعه است (کاپلان و سادوک^۳، ۱۳۸۹).

افکار و باورهای وسواسی زیر گروه (OCD) می باشد و معمولاً شیوع آن تدریجی است و بیشتر از اوایل نوجوانی یا اوایل بزرگسالی ظاهر می شود و نشخوار فکری زیر گروه این اختلال است. میزان شیوع اختلال وسواس فکری - عملی تقریباً ثابت شده است. شیوع مادام العمر آن در جمعیت عمومی ۲ تا ۳ درصد بر آورد شده است. برخی پژوهشگران بر آورد کرده اند که این اختلال در ۱۰ درصد بیماران سر پایی درمانگاه های روان پزشکی یافت می شود. شیوع مادام العمر اختلال وسواس فکری - عملی در ایران برای جمعیت عمومی ۱/۸ درصد در درمانگاه های روانپزشکی تا ۶ درصد تخمین زده شده است (شیخ مونسی و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۵۱۱-۱۴).

تفکر وسواسی که (OCD) را مشخص می کند باید از نشخوارهای فکری که در افسردگی معمول هستند تمیز داده شوند. در حالیکه افکار وسواسی و نشخوارفکری از لحاظ محتوا و شکل با هم متفاوتند اما می توانند از آسیب پذیری شناختی واحدی نشأت بگیرند (دری بری و رید^۴، ۲۰۰۲، صص ۲۳۶-۲۲۵). نشخوار فکری به عنوان نمونه ای از افکار منفی عود کننده مطرح شده و آن را فرآیندی فراشناختی می دانند که در بسیاری از آسیب های روان شناختی اتفاق می افتد (نولن و هوکسما^۵، ۲۰۰۷، صص ۱۲۱-۱۱۵). علاوه بر این، به نظر می رسد نشخوارفکری پیش بینی کننده سطح

1. Emotional Disorder
2. Wellen
3. Kaplan & Sadock
4. Derryberru & Reed
5. Nolen_Hoeksema

اضطراب و افسردگی^۱ بوده و با هیپومانیا^۲، قماربازی مرضی، اضطراب اجتماعی^۳، تداوم علائم استرس پس از سانحه^۴، کیفیت خواب پایین، آشفتگی خواب، شراب خواری و علائم سوء مصرف الکل^۵ در بزرگسالان و دختران و نوجوانان و رفتارهای خودزنی و خودکشی رابطه دارد. نشخوار فکری به عنوان نوعی از افکار برگشتی معمولاً به طور طولانی مدتی دوام می‌آورد (وینگر^۶، ۱۹۹۴، به نقل از یانگ یونگ^۷، ۲۰۱۰، صص ۶۲۸-۶۲۳). نشخوارفکری همچنین با کوشش کمتر و اطمینان کمتر به مسأله‌گشایی رابطه دارد. نشخوارفکری نوعی روش مقابله ناکارآمد است و استفاده از آن منجر به کاهش توانایی حل مسأله و ایجاد تفکرات منفی می‌شود (رپر^۸، ۲۰۰۶). عدم وجود خلاقیت در افراد باعث پایین آمدن توانایی حل مسئله در آنها می‌شود که این موجب بروز اختلالاتی چون اضطراب و افکار وسواس گونه می‌شود.

امانی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی تحت عنوان ارتباط زیر مجموعه‌های وسواس فکری - عملی، آشفتگی استنتاج و راهبردهای تنظیم هیجانی با باورهای وسواسی در زنان انجام دادند. نتایج نشان داد که تنها متغیرهای پیش بین آشفتگی استنتاج، وسواس شستن و احتکار ۸۰/۱ درصد پاسخ دهندگان را در گروه‌هایی که باورهای وسواسی بالا و پایین داشتند، به درستی طبقه‌بندی کردند. نتایج این مطالعه مدل ارزیابی و رویکرد مبتنی بر استنتاج را تأیید کرده است.

نوفرستی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی تحت عنوان مقایسه انعطاف‌ناپذیری شناختی و سبک‌های حل مسئله در دانشجویان دارای نشخوار فکری و بدون نشخوار فکری انجام دادند. نتایج یافته‌ها با توجه به تحلیل آماری کوواریانس چند متغیره و تحلیل واریانس نشان داد از نظر خطای درجا ماندگی و شکست در حفظ مجموعه سازی افراد دارای نشخوارفکری و بدون نشخوارفکری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین در سایر راهبردهای حل مسئله دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد.

آقا یوسفی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی تحت عنوان نقش نشخوارفکری در بهزیستی روانی و اضطراب در همسران بیماران مبتلا به سرطان انجام دادند. تحلیل داده‌ها نشان داد بین نشخوارفکری و بهزیستی روان شناختی رابطه منفی معناداری وجود دارد و بین نشخوارفکری و اضطراب رابطه مثبت معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد

1. Depression
2. Hypomania
3. Social Anxiety
4. PTST
5. Alcohol Abuse
6. Vinger
7. Yung&Young
8. Repper

پایین بودن بهزیستی روان شناختی همسران بیماران مبتلا به سرطان است. لذا توجه به نیازهای آنها مؤلفه ی ضروری در موفقیت درمانی بیماران است.

ریان و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهش خود تحت عنوان نقش هیجانانگیز در کاهش نشخوارفکری در ۳۲۰ نفر از دانشجویان به این نتیجه رسید که مقصر دانستن خود، نشخوار فکری، فاجعه بار تلقی کردن و باز ارزیابی مثبت به عنوان معتبرترین پیش بینی کننده های هیجانانگیز منفی معرفی شده اند.

ناتان، ا ریکمن^۲ (۲۰۱۴)، پژوهشی تحت عنوان سرکوب ناموفق با افزایش روانرنجوری، افکار مزاحم و نشخوارفکری همراه است، انجام داد. یافته ها نشان داد حد بالا و پایین روان نژندی و اشتغال به طیف افکار مزاحم که توسط افرادی که تلاش ناموفق برای سرکوب این اطلاعات را نامطلوب گزارش کردند حداقل تفاوت را با کسانی که سرکوب موفق را گزارش کردند، نشان دادند تا غیر سرکوب گران.

اومو رایس^۳ (۲۰۱۴)، در پژوهشی رابطه میان خلاقیت، کمال گرایی، تمرکز بر هدف و پیشرفت تحصیلی را بررسی نمودند. آنان دریافتند که با افزایش کمال گرایی، تمرکز بر هدف و نیز پیشرفت تحصیلی افزایش می یابد. البته این همبستگی دل بستگی با نمرات خرده مقیاس های کمالگرایی مثبت بیشتر بود.

وایدا و ادھیکاری^۴ (۲۰۱۴)، در تحقیقی تحت عنوان نقش نشخوار در رابطه کمبود توجه و علائم وسواسی - جبری در نمونه غیر بالینی به علائم وسواسی و نشخوار فکری پرداختند. یافته نشان می دهد که علائم OCD ارتباط معنی داری با کسری نشخوار و توجه است. با این حال، نشخوار بودن رابطه بین کمبود توجه و علائم وسواس تأکید شد. نتایج ارائه شده و مورد بحث قرار گرفت. این انتظار می رود که نتایج کمک خواهد کرد تا بیشتر به نقش عوامل شناختی در OCD روشن و گسترش مدل های عصبی پردازیم.

توجه به توانایی دانش آموزان و استفاده از این توانایی برای حل مسائل، مخصوصاً مسائل مربوط به جنبه های روانی و باور ها و افکار افراد ضروری به نظر می رسد. بررسی خلاقیت در دانش آموزان از این جهت اهمیت دارد که تاکنون سایر پژوهش های انجام شده در رابطه با سه مؤلفه ی این پژوهش تمرکز نداشته است و کمتر دیده شده که پژوهشی در رابطه با توانایی استفاده از خلاقیت در حل جنبه های روانی تأکید ورزد. آگاهی از تفاوت های احتمالی میان توانایی خلاقیت دانش آموزان افقی جدید پیش روی پژوهشگران و دست اندرکاران آموزش و پرورش می گشاید تا برنامه و روش های آموزشی را بیش از پیش متناسب کنند.

1. Riayan & et al
2. Nathan, of Rickman
3. Eum, K & Rice, G
4. Vaidya & Adhikari

از این رو سوالی در این پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که آیا خلاقیت با باورهای وسواسی و نشخوار فکری در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد؟

روش‌شناسی

هدف کلی پژوهش تعیین و بررسی رابطه‌ی خلاقیت با باورهای وسواسی و نشخوارفکری در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت می‌باشد. با توجه به هدف کلی تحقیق فرضیات پژوهشی به شرح ذیل می‌باشد:

فرضیه اصلی: خلاقیت با باورهای وسواسی و نشخوارفکری در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. فرضیه‌های فرعی: ۱- خلاقیت با باورهای وسواسی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. ۲- خلاقیت با نشخوارفکری در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد.

این مطالعه، پژوهشی توصیفی و از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش‌شناسی جزء پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد که به بررسی رابطه خلاقیت با باور وسواسی و نشخوارفکری در دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم مقطع متوسطه‌ی ناحیه دو شهر رشت می‌پردازد.

جامعه آماری پژوهش جامعه آماری پژوهش حاضر، عبارت است از کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه ناحیه دو شهر رشت که با توجه به آمار دریافتی از آموزش و پرورش در مهرماه ۱۳۹۵، شامل ۵۱۸۱ نفر از دانش‌آموزان می‌باشند که به تفکیک مجموع دانش‌آموزان مدارس دولتی ۳۴۳۷ نفر و مجموع دانش‌آموزان مدارس غیردولتی ۱۷۴۴ نفر می‌باشند. نمونه پژوهش بر اساس جدول مورگان متشکل از ۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان هستند که از این تعداد ۲۳۹ دانش‌آموز از مدارس دولتی و ۱۲۱ دانش‌آموز از مدارس غیردولتی می‌باشند. نمونه مورد مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و داده‌ها جمع‌آوری شدند که با استفاده از جدول مورگان این حجم انتخاب شده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد به شرح زیر استفاده گردید: پرسشنامه خلاقیت عابدی (CT): پرسشنامه سنجش خلاقیت که به آزمون سنجش خلاقیت عابدی (CT) مشهور است بر اساس نظریه تورنس درباره خلاقیت و در سال (۱۳۶۳) به وسیله عابدی در تهران ساخته شده است. این پرسشنامه چندبار مورد تجدید نظر قرار گرفته است و در نهایت فرم ۶۰ سوالی آن در دانشگاه کالیفرنیا و به وسیله عابدی تدوین گردید. این پرسشنامه دارای ۴ مقیاس است:

جدول ۱. زیر مقیاس های پرسشنامه خلاقیت عابدی

سؤال	مقیاس
سیالی	سؤالات ۱ تا ۲۲
بسط	سؤالات ۲۳ تا ۳۳
ابتکار	سؤالات ۳۴ تا ۴۹
انعطاف پذیری	سؤالات ۵۰ تا ۶۰

پرسشنامه باور وسواسی (OBQ-44): الف- توصیف آزمون. در حال حاضر پرسشنامه افکار وسواسی (OBQ-44) یکی از پر استفاده ترین و مقبول ترین ابزارها در این زمینه است. پرسشنامه افکار وسواسی (OBQ-44) که دارای ۴۴ ماده است از فرم اصلی این پرسشنامه یعنی OBQ-77 گرفته شده است. هر دو فرم این پرسشنامه توسط گروه کاری مطالعه شناخت ها در اختلال وسواس طراحی و ساخته شده اند. این کار گروه شامل محققانی برجسته از سرتاسر جهان است که در رابطه با نقش شناختها در اختلال وسواس فکری عملی مطالعه می کنند. پرسشنامه افکار وسواسی (OBQ-44) دارای ۴۴ ماده است که در یک طیف لیکرت ۷ درجه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره گذاری می شود.

این پرسشنامه از سه زیر مقیاس تشکیل شده است که حوزه های اصلی شناخت در اختلال وسواس را پوشش می دهند. این سه زیر مقیاس عبارتند از: ۱. احساس مسئولیت برای صدمه و آسیب و ارزیابی خطر و تهدید (۱۶ ماده) ۲. کمال طلبی و نیاز به برخورداری از اطمینان (۱۶ ماده) ۳. اهمیت و کنترل افکار (۱۲ ماده)

پرسشنامه پاسخ نشخواری^۱ (RRS) (۱۹۹۱). الف - توصیف آزمون: نولن هوکسما و مارو (۱۹۹۱) پرسشنامه ای خودآزما تدوین کردند که چهار نوع متفاوت از واکنش به خلق منفی را مورد ارزیابی قرار می داد. پرسشنامه سبک های پاسخ^۲ (RSQ) از دو مقیاس پاسخ های نشخواری (RRS) و مقیاس پاسخ های منحرف کننده حواس^۳ (DRS) تشکیل شده است. به علاوه این مقیاس متشکل از سه خرده مقیاس حواس پرتی^۴، تعمق^۵ و در فکر فرو رفتن^۶ است. این مقیاس خود گزارش دهی دارای ۲۲ ماده است که برای دستیابی به نشخوار فکری طراحی شده است.

در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون گردید و سپس با استفاده از داده های به دست آمده از این پرسشنامه ها و به

1. Ruminative Response Scale
2. Response Styles Questionnaire
3. Distracting Response Scale
4. Distraction
5. Reflection
6. Brooding

کمک نرم‌افزار آماری Spss¹ میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج به صورت زیر نشان داده می‌شود:

جدول ۲. درصد آلفای متغیرها

نام متغیر	تعداد پرسش	مقدار آلفای کرونباخ
سیالی	۲۲	۰/۷۲۰
بسط	۱۱	۰/۸۱۴
ابتکار	۱۶	۰/۷۹۶
انعطاف	۱۱	۰/۷۷۸
خلاقیت	۶۰	۰/۸۸۹
احساس مسئولیت	۱۶	۰/۷۴۱
کمال طلبی	۱۶	۰/۷۲۰
کنترل افکار	۱۲	۰/۷۲۷
باور وسواسی	۴۴	۰/۸۹۱
حوس پرتی	۱۲	۰/۷۵۸
تعمق	۵	۰/۸۶۳
در فکر فرو رفتن	۵	۰/۷۵۴
نشخوار فکری	۲۲	۰/۸۹۸

همچنان که در جدول ملاحظه می‌شود مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده بالاتر از ۰/۷ بوده که نشان از قابل اعتماد بودن پرسشنامه‌ها می‌باشد.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: بین خلاقیت با باور وسواسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۳. ضریب همبستگی خلاقیت با باور وسواسی و نشخوار فکری

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک	R (همبستگی)	ضریب تبیین	P (سطح معناداری)
خلاقیت	باور وسواسی و نشخوار فکری	-۰/۷۳۷	۰/۵۴۴	۰/۰۰۰

جدول ۴. تحلیل ضرایب آزمون همبستگی کانونی فرضیه اصلی

متغیرهای ملاک	ضریب شیب (B)	خطای استاندارد	beta	P (سطح معناداری)
باور وسواسی	-۰/۱۹۸	۰/۰۱۹	-۰/۴۱۱	۰/۰۰۰
نشخوار فکری	-۰/۵۲۱	۰/۰۴۸	-۰/۵۲۱	۰/۰۰۰

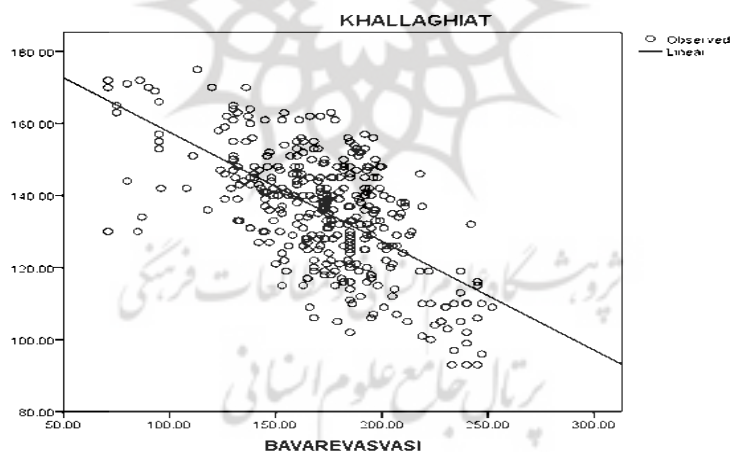
بر اساس داده‌های جدول ضریب همبستگی محاسبه شده که در سطح ۰/۰۱ نیز معنادار است. (۰/۷۳۷-، $p=0/000, r=-0/629$) و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و باور وسواسی و نشخوار فکری به میزان ۷۳/۷ درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان باور وسواسی و نشخوارفکری کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین برای متغیر فوق ۰/۵۴۴ گزارش شده است.

فرضیات فرعی: بین خلاقیت با باورهای وسواسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۵. ضریب همبستگی خلاقیت با باور وسواسی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R (همبستگی)	ضریب تبیین	P (سطح معناداری)
خلاقیت	باور وسواسی	-۰/۶۲۹	۰/۳۹۵	۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های جدول فوق بر اساس آزمون پیرسون ضریب همبستگی محاسبه شده که در سطح ۰/۰۱ نیز معنادار است. ($p=0/000, r=-0/629$) و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و باور وسواسی به میزان ۶۲/۹ درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان باور وسواسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور ۰/۳۹۵ گزارش شده است. علاوه بر این نمودار زیر مشخص می‌سازد که تمرکز این همبستگی در سطح میانگین جامعه می‌باشد به عبارت دیگر بیشترین افراد دارای این خصوصیت در محدوده میانگین دارای چنین وضعیتی می‌باشند.



نمودار ۱. رابطه بین خلاقیت با باور وسواسی

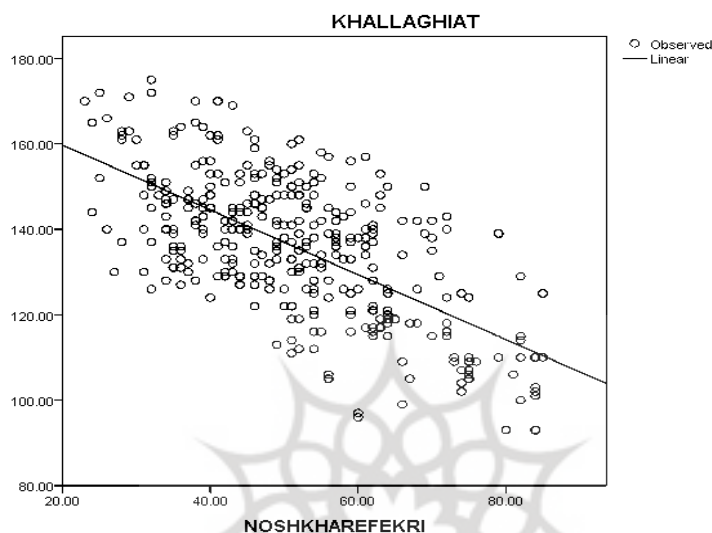
بین خلاقیت و نشخوار فکری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶. ضریب همبستگی خلاقیت و نشخوار فکری

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R (همبستگی)	ضریب تبیین	P (سطح معناداری)
خلاقیت	نشخوار فکری	-۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های جدول فوق بر اساس آزمون پیرسون، ضریب همبستگی محاسبه شده که در سطح ۰/۰۱ نیز معنادار است. ($p=0/000, r=-0/645$) و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و نشخوارفکری به میزان ۶۴/۵ درصد رابطه

منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان نشخوارفکری در دانش آموزان دختر متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور ۰/۴۱۶ گزارش شده است. علاوه بر این نمودار زیر مشخص می‌سازد که برخلاف فرضیه اول تمرکز این همبستگی در سطوح بالای میانگین جامعه نمونه می‌باشد به عبارت دیگر بیشترین افراد دارای این خصوصیت در محدوده بالای میانگین دارای چنین وضعیتی می‌باشند.



نمودار ۲. رابطه بین خلاقیت و نشخوار فکری

نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی: خلاقیت با باورهای وسواسی و نشخوارفکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. در ارتباط با فرضیه اصلی، مشاهده شد که بین خلاقیت با باور وسواسی و نشخوارفکری در دانش آموزان دختر متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. و این همبستگی مقدار آن ۰/۷۳۷- بوده است که نشان دهنده رابطه منفی خلاقیت با باور وسواسی و نشخوارفکری دارد ($P=0.00$). به عبارت دیگر هر چه خلاقیت افراد بالاتر باشد باور وسواسی و نشخوارفکری در آنها کاهش می‌یابد. همچنین ضریب تبیین برای متغیر فوق ۰/۵۴۴ گزارش شده است. متأسفانه تحقیقی مشابه تحقیق حاضر برای مقایسه وجود ندارد، اما برای مقایسه فرضیه اصلی این پژوهش می‌توان از جمله زیر مؤلفه‌های سلامت روان که وسواس فکری - عملی می‌باشد را با خلاقیت در یافته‌های پژوهش شهریار احمدی و همکاران (۱۳۹۱) همسو دانست.

همانطور که گیلفورد (۱۹۵۰)، تورنس (۱۹۶۹)، فریر (۱۹۹۶)، کروگاگلیاردی (۲۰۰۶) و همچنین پیرخانی درباره آموزش خلاقیت انجام داده‌اند و مدعی شده‌اند که خلاقیت در سطح مؤلفه‌های فراشناختی (سیالی، بسط، انعطاف پذیری و ابتکار) قابل آموزش است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت آموزش خلاقیت قادر است سطح عملکردی ذهن و

شخصیتی افراد را برای کارکردی و انطباقی بهتر و بالاتر ارتقا دهد. از جمله روش هایی که خلاقیت را بالا می برد استفاده معلمان از تکنیک بارش مغزی و حل خلاق مسئله است که روش های مناسبی باری تحریک مؤلفه های فراشناختی خلاقیت در دانش آموزان محسوب می شود به شرط رعایت شرایط انگیزشی و خلاق در آموزش و به کار بستن تمرینات مناسب، این فنون قابلیت این را دارند که بتوانند خیزش محسوسی در عناصر بسط، سیالی، انعطاف پذیری و ابتکار هم در ذهن و هم در شخصیت افراد به وجود آورند.

اکثر پژوهشگران و دانشمندان خلاقیت معتقدند که پاره ای از عوامل و متغیرها مانند هوش و سلامت روانی و جنس با این پدیده منحصر به فرد در ارتباط هستند. در پژوهش شهریاری احمدی و همکاران نیز این رابطه مشاهده گردید، به عبارتی میانگین وسواس فکری - عملی، افسردگی، اضطراب، ترس مرضی، افکار پارانوئید و حساسیت بین فردی در بین دانش آموزان عادی بیشتر از افراد تیز هوش بوده که یافته ها با یافته های خسروانی و گیلانی (۱۳۸۶) و فلاچ (۱۹۹۰) مبنی بر بالا بودن سلامت روان افراد دارای خلاقیت بالا (تیزهوش) همسوئی دارد.

فرضیه فرعی اول: خلاقیت با باورهای وسواسی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. در ارتباط با اولین فرضیه فرعی مشاهده شده که بین خلاقیت با باور وسواسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه رابطه معنادار وجود دارد و بر اساس داده ها و آزمون پیرسون ضریب همبستگی محاسبه شده $0/629$ - گزارش شد $(p = 0/000)$ و نشان می دهد که بین خلاقیت و باور وسواسی به میزان $62/9$ درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه قدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان باور وسواسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور $0/395$ گزارش شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر همانند فرضیه اصلی با یافته های شهریاری احمدی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می باشد. در تبیین یافته ها با توجه به شواهد نظری و پژوهشی می توان گفت که همه انسانها در ابتدای زندگی خود از خلاقیت عام که از ناخودآگاه سرچشمه می گیرد برخوردارند. افرادی که از خلاقیت اولیه خود نگرانند و آن را رها می کنند معمولاً دچار وسواس فکری - عملی می شوند. همانطور که مازلو در نظریات خود بیان داشته اما پس از سرگذشتن کودکی آن را از دست می دهند. اما به واسطه ناخودآگاه قادرند خیالبافی کنند، لذت ببرند و رفتار خلاق بروز دهند که این با خلاقیت خاص که مبتنی بر عقل سلیم است تفاوت اساسی دارد. آنان تلاش زیادی برای سازگار شدن با قید و بندها، منطقی بودن می کنند. بنابراین شاید به جرات بتوان گفت خلاقیت کلید طلایی خوشبختی است. خلاقیت می تواند و باید جزئی از زندگی همه افراد باشد. تأکی بر خلاقیت و پرورش تفکر واگرا منجر به رشد هماهنگ و متعادل جسمی و روانی افراد می شود.

فرضیه فرعی دوم: خلاقیت با نشخوارفکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. در ارتباط با دومین فرضیه فرعی مشاهده شده که بین خلاقیت و نشخوارفکری رابطه معنادار وجود دارد و بر اساس داده ها و

آزمون پیرسون، ضریب همبستگی محاسبه شده $0/645 - (p= 0/000)$ گزارش شد و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و نشخوارفکری به میزان $64/5$ درصد رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان نشخوارفکری در دانش‌آموزان دختر متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور $0/416$ گزارش شده است. متأسفانه علی‌رغم جستجوی فراوان در مجلات پژوهشی و اینترنت هیچ تحقیق مشابه تحقیق حاضر وجود نداشت تا بتوان تحقیق حاضر را با آنها مقایسه کرد. ولی در خصوص مقایسه مؤلفه‌های تحقیق حاضر با دیگر پژوهش‌ها می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر با پژوهش ویلکینسون، اپل و همکاران در سال (۲۰۱۳)، که در آن سطح نشخوارفکری نوجوان و بزرگسالان بالاتر از حد متوسط گزارش شده بود همسو می‌باشد.

در تبیین یافته‌های فرضیه دوم پژوهش می‌توان چنین گفت که خلاقیت از جمله شیوه‌های حل مسئله با نشخوارفکری رابطه دارد و میزان بالای توانایی حل خلاق مسئله پیش‌بینی کننده تنیدگی پایین و یا مقابله مؤثر با آن و در نتیجه سلامتی بالا است. حل مسئله یک راهبرد مقابله‌ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی و نشانه‌شناسی روانی را کاهش می‌دهد. بنابراین فرد بدین وسیله تنیدگی روان‌شناختی را می‌تواند کاهش دهد و یا پیشگیری نماید. البته مؤلفه‌های رفتاری از قبیل آموزش تکنیک‌هایی جهت قطع چرخه‌های نشخوارفکری (تمرین توقف فکر و روش‌های منحرف‌کننده حواس مثبت) و آموزش خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله در درمان و کاهش نشخوارفکری مؤثر ارزیابی شده‌اند.

نتایج کلی پژوهش حاضر یافته‌های زیر را نشان می‌دهد: دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش از نظر خلاقیت در سطح بالاتر از متوسط بوده و سطح پایین فراوانی آن صفر بود همچنین $80/6$ درصد در سطح بالای خلاقیت قرار داشتند در حالی که $19/4$ درصد از دانش‌آموزان در سطح متوسط بودند. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش از نظر تصاحب هر یک از مؤلفه‌های باورهای وسواسی در دو مؤلفه احساس مسئولیت برای صدمه و آسیب و ارزیابی خطر از حد متوسط بالاتر بوده در حالی که در مؤلفه‌ی اهمیت دادن به افکار و کنترل افکار از میانگین متوسط پایین‌تر بودند.

دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش از نظر سطح در فکر فرو رفتن در دانش‌آموزان نزدیک به میزان متوسط می‌باشد و تعمق و حواس‌پرتی در آنها از این نیز پایین‌تر است همچنین پژوهش نشان داد که تمامی دانش‌آموزان از نظر نشخوارفکری در سطح بالاتر از متوسط بوده و در سطح پایین فراوانی آن صفر است به طوری که $34/2$ درصد از پاسخ‌دهندگان در سطح متوسط و $65/8$ درصد در سطح بالای نشخوارفکری قرار دارند.

با توجه به نتایج این پژوهش که خلاقیت می‌تواند باورهای وسواسی و نشخوارفکری را پیش‌بینی کند می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرچه سطوح فراشناخت خلاقیت بالا رود کاهش باورهای وسواسی و نشخوارفکری را در پی

خواهد داشت و رویکرد خلاق معلمان در شکل گیری خلاقیت دانش آموزان که همان دستیابی هدف آموزش یعنی شخصیت خلاق است نقش اساسی دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آقاشیری، صدیقه. (۱۳۹۱). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های اخلاقیت در برنامه ریزی درسی قرآن کریم دوره ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۱۹.
- حضور، داود. (۱۳۹۴). بررسی شیوه‌های اسناد علی و راهبردهای یادگیری در دانشجویان و رابطه‌ی آن‌ها با هوش، اخلاقیت، جنسیت و رشته تحصیلی، فصلنامه‌ی پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال نهم، شماره اول و دوم.
- حیدری، روح‌الله. (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و اخلاقیت با شادکامی دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی راهنمایی و متوسطه عشایری استان فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۴.
- دستغیب، سیده مریم. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی بر اخلاقیت دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۵.
- سلحشور، ایران. (۱۳۹۴). رابطه بین باورهای وسواسی و مشکلات هیجانی با توجه به عوامل خانوادگی فردی و خانوادگی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، فصلنامه خانواده‌پژوهی.
- شیخ‌مونس‌ف؛ حاج‌حیدری زه؛ مسعودزاده آ؛ علی‌محمدپور ر؛ مظفری م. (۱۳۹۳). شیوع و شدت اختلال وسواس فکری - عملی و رابطه آنها با بیماری‌های پوستی. دوره پنجاه و دوم، شماره ۷، صص ۵۱۱-۱۴.
- قوامی، فرح. (۱۳۹۱). مقایسه اخلاقیت دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا پایه چهارم و پنجم دبستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۹.
- کاپلان، هارولد؛ سادوک، ویرجینیا. (۲۰۱۰). خلاصه روان‌پزشکی (علوم رفتاری و روان‌پزشکی بالینی) (جلد ۱، ۲ و ۳). ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۸۹)، انتشارات ارجمند.
- Derryberry D, Reed, M A. (2002). Anxiety-related attentional biases and their regulation by attentional control. *Journal of Abnormal Psychology*, 2. 225-236.
- Keunyoung Y, KeunH K, Shin Y S, Kang S L. (2010). Intolerance of uncertainty, worry, and rumination in major depressive disorder and generalized anxiety disorder. *Journal of Anxiety Disorders*. 6, 623-628.
- Nolen-Hoeksema S, Jackson B. (2007). Mediators of the gender difference in nolen-Hoeksema, s. , tomorrow J. (1991). A prosocial study of depression and posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: The 1999 loma prieta earthquake. *Journal of personality and social psychology*, 61, 115-121.
- Repper K K. (2006). The relationship between anger rumination and aggression In childhood. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements For the degree of doctor of philosophy in the department of psychology.

Investigate the relationship between creativity with obsessive beliefs and rumination in high school students in the city of Rasht

Seyedeh Mercedeh Azimi Khatibani¹

Masoud Amoopour*²

Abstract

This study aimed to investigate the relationship between creativity with obsessive beliefs and rumination in female students of second cycle of secondary school Rasht District 2 was performed. Method: The study population included all girl students of secondary high school in Rasht that according to statistics from the education of 5181 students that using Morgan table, a sample of 360 of students to sampling were randomly selected. Abedi creativity questionnaire to collect data, obsessive belief questionnaire (OBQ-44) and rumination scale Nolen Hoeksema and Morrow were used. For data analysis canonical correlation coefficient and regression analysis was performed using SPSS software. The results showed that the students' creativity with obsessive belief as well as significant negative correlation between creativity and rumination students there and creativity can predict obsessive beliefs and rumination ((The results showed that the students' creativity with beliefs obsession, as well as significant negative correlation between creativity and students there rumination and creativity can predict obsessive beliefs and rumination)). The results of this study, it seems that the creativity of the students have a higher level of obsessive beliefs and reduced rumination on them. Based on regression analysis, creativity construct 54 percent of the changes could explain the obsessive beliefs and rumination.

Key Words: Creativity, Obsessive Belief, Rumination.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹. Graduate Student, General Psychology, Islamic Azad University, Rasht Branch, Gilan, Iran.

². Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Rasht, Gilan, Iran.

*Corresponding author: Amoopour@iaurasht.Ac.ir